

## انقلاب اسلامی و تحولات نظام بین الملل؛ از نظریه تا عمل

غفار زارعی<sup>۱</sup>، علی اکبر کلیچ<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

نویسنده مسئول:

غفار زارعی

### چکیده

انقلاب اسلامی ایران در دهه های پایانی قرن بیستم با پیروزی خویش و تاسیس حکومت اسلامی پدیده ای نادر و تاثیر گذار در نظام بین الملل به شمار می رود. جمهوری اسلامی ایران توانسته است با الهام از آموزه های اسلام که در قانون اساسی آن متبلور شده است و دخالت دادن مردم در حاکمیت خود، نمونه ای کامل از تلفیق مردم سالاری اسلامی را به جهانیان نشان دهد که واژه جمهوری اسلامی بیانگر آن است. بی گمان، تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای مختلف اسلامی و به ویژه مردم مستضعف و مظلوم آن کشورها، بسیار چشم گیر است؛ به گونه ای که بسیاری از نهضت های آزادی بخش جهان اسلام در آسیا، آفریقا و خاورمیانه از انقلاب ایران الهام گرفته اند. همچنین انقلاب اسلامی ایران در سیاست خارجی خویش با تلاش در راستای همگرایی میان کشورهای اسلامی و بویژه همسایگان خویش در حوزه خلیج فارس که یکی از استراتژیک و شریانهای حیاتی برای تامین منابع سوخت و انرژی در سراسر جهان می باشد، سعی دارد از حضور کشورهای بیگانه و سیطره بیگانگان بر جهان اسلام و کشورهای منطقه جلوگیری به عمل آورد، اما این امر لزوماً به معنای انزواطلبی و خصومت با سایر کشورها نمی باشد، بلکه بیشتر مبتنی بر اصل احترام متقابل بین کشورها و رعایت اصل حاکمیت و قواعد حاکم بر داد و ستد بین المللی می باشد. که نظام سلطه را به چالش کشیده و در میان مکاتب مختلف مادی گرا از قبیل لیبرالیسم و سوسیالیسم و ... مکتبی الهی با تأکید بر نیازهای مادی و معنوی پیش روی بشریت قرار داده است. لذا آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد عبارت است از: تبیین تاثیرات نظری و عملی انقلاب اسلامی در صحنه نظام بین الملل.

**کلمات کلیدی:** انقلاب اسلامی، نظام بین الملل، نظام سلطه، اسلام گرایی،

استکبارستیزی.

## مقدمه

در فرایند شکل‌گیری انقلاب اسلامی، همگام با اراده ملت ایران، هدایت و رهبری امام، سبب شد تا انقلاب اسلامی با مختصات اصیل اسلامی، آستانه ورود به قرن 21 را با تحول عظیمی روبرو سازد. لذا در دو دهه پایانی قرن، جامعه جهانی با تغییرات بنیادینی مواجه بود که موجب تضعیف قدرتهای جهان شد.

تشکیل دولت اسلامی در قرن بیستم، حرکت عظیمی در بین مسلمانان و همه آزادگان جهان ایجاد کرد و نشان داد که اسلام برای انسان و جامعه، ملاکها و استانداردهای خاصی قرار داده و انقلاب اسلامی در بوته آزمون حرکت عظیم ملت ایران، بهترین دستاورد را که همانا مطالبه قدرت به معنای مطالبه معنویت و تجدید حیات دینی است، به دست آورده است. آرمانهای انقلاب اسلامی که در قلمروهای مختلف در عصر حاضر زمینه ایجاد دگرگونیهای فراوانی را ایجاد کرده است، ریشه در دین و آموزه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن دارد (عیوضی، ۱۳۸۸: ۲). از همین روی در مقاله پیش رو کوشش شده است با بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی بر تغییرات و تحولات نظام بین‌الملل پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دو عرصه نظری و عملی بپردازیم.

بر این اساس پرسش اصلی پژوهش این است که: انقلاب اسلامی ایران چه تأثیراتی بر نظام بین‌الملل داشته است؟ نگارنده در مدعای خویش معتقد است: در سطح نظری موجب شکل‌گیری دیدگاهها و رویکردهای تازه‌ای به مبانی مذهبی و معنوی در عرصه کشورداری و سیاست شده است مباحث اصلی عدالت، صلح و امنیت را تحت تأثیر قرار داده است. و در سطح عملی نیز انقلاب اسلامی ایران ساختار سیاسی نحوه توزیع قدرت و بازیگران روابط بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده و نظام دو قطبی را به چالش طلبید و باعث تقویت و ظهور بازیگران جدید دولتی (جهان سوم) و غیر دولت (جنبش‌ها و ملت‌ها) در صحنه ساختار بین‌المللی شده است.

در این مقاله نیز مبنای روش شناختی برای تحلیل علمی موضوع، روش توصیفی-تحلیلی می باشد. در این روش که به سطح تحلیل نظر دارد، در نگاه کلی خود به دو روش توصیفی (به معنای اعم) و روش هنجاری تقسیم می شود. روش توصیفی به معنای اعم در جای خود به دو روش توصیفی به معنای اخص، روش تحلیلی و روش نقدی تقسیم می شود. روش توصیفی به معنای اخص نیز به توصیف مشاهدتی و توصیف تحلیلی یا تبیین منقسم می گردد. که در توصیفی-تحلیلی هدف تبیین، یافتن علل پدیده‌ها و هدف تحلیل، یافتن پیش فرض‌ها و آثار و نتایج مترتب بر یک رأی است. با توجه به نوع تحقیق که نظری است، گردآوری اطلاعات اساساً بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام میشود و از منابع مختلف کتابخانه‌ای اعم از کتاب، مقاله، کتابخانه‌های دیجیتالی و اینترنت و رجوع به مقالات و خبرگزاریهای رسمی نیز استفاده خواهد شد.

## - مفهوم شناسی

## ۱- مفهوم نظام بین‌الملل

نظام از مجموعه‌ای متغیرهای وابسته به یکدیگر تشکیل شده است و هرگونه تغییر در هر یک از عناصر تشکیل دهنده نظام به سایر بخش‌های آن نیز سرایت می‌کند و آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظام بین‌الملل محیطی است که در آن، واحدهای سیاست بین‌الملل عمل می‌کنند؛ به طوری که رفتارها، جهت‌گیری‌ها، نیت‌ها و خواسته‌های واحدهای مزبور از نظام بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد (قوام، 2: 1372).

## ۲- مفهوم انقلاب

واژه انقلاب در لغت معادل کلمه «Revolution» است که ماخوذ از کلمه «Revolutio-on» و ریشه «evolver» می باشد. این واژه ابتدا از اصطلاحات اخترشناسی بود که بتدریج در علوم طبیعی اهمیت یافته و سپس برای نخستین بار در سده هفدهم، به صورت یکی از اصطلاحات سیاسی بکار گرفته شد (علی بابایی، ۱۳۸۲: ۱۱۱). در اصطلاح نیز انقلاب عبارت است از: تحولی سریع و تغییری اساسی در حکومت و ساختارهای طبقاتی به همراه شورشهای طبقات پایین جامعه. انقلابهای اجتماعی از سایر اشکال منازعه قابل تفکیک هستند و به خصوص در آنها، دو تقارن و همزمانی چشمگیر مشاهده میشود: تقارن تغییر و تحول اجتماعی و ساختاری با قیام طبقاتی از یکسو، و تقارن تغییرات سیاسی با تحولات اجتماعی از سوی دیگر. بنابراین انقلاب نه تنها به تغییرات اساسی و بنیادین سیاسی بلکه به دخالت گسترده توده مردم در جریان مبارزه انقلابی برای در تحت کنترل گرفتن قدرت دولت اطلاق میگردد (هالیدی، ۱۳۷۸: ۲۹).

## تأثیرات تئوریک و نظری انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران بر مبنای اهداف فردی، گروهی، حزبی و در یک کلام، بر مبنای اهداف دنیایی و ماتریالیستی ایجاد نشده بود و آرمانهای ناب و مقدس انسانی، الهی و دینی، چارچوب و محتوای انقلاب اسلامی را تشکیل میداد. لذا انقلاب اسلامی به عنوان یک تحول بنیادین اجتماعی و سیاسی در سطوح داخلی منطقیهای و بینالمللی که مبنای و غایاتی ضد مشهورات و مقبولات رایج در دنیای معاصر دارد و نیز به دلیل تضاد فلسفی با بنیادهای فکری مدرنیته غربی - که کشور ما را نیز قبل از انقلاب در آستانه سيطرة کامل قرار داده بود - مورد توجه و بررسی بسیاری از نویسندگان و سیاستمداران، روزنامهنگاران و مراکز علمی و پژوهشی غرب قرار گرفته است که میتواند بازگشت به انقلاب اسلامی به مرجعی کاملاً متباین و متضاد با فرهنگ و غایات ماتریالیزم معاصر را اثبات کند و با به نمایش گذاشتن اهداف متعالی و آرمانی انقلاب اسلامی، آلوده نبودن این پدیده به اغراض سیاسی رایج و متعارف در انقلابهای جهان و مبارزات سیاسی را نشان دهد.

در ادامه این مبحث تلاش می شود به بررسی تأثیرات نظری انقلاب اسلامی بر نظام بین الملل بپردازیم.

### ۱- تاکید بر اتحاد و همبستگی مسلمانان

انقلاب اسلامی ایران با توجه به وضع اسفبار جوامع اسلامی، شعار رسای «یا ایها المسلمین اتحدوا اتحادوا» اسلام بوده است، برآمد و در راه رسیدن به این هدف متعالی کوششها نموده و با برگزاری سمینارها و کنفرانسها و بخصوص اعلام هفته وحدت (از دوازدهم تا هفدهم ربیع الاول) به تقویت آن پرداخت. استعمارگران که به آثار این فکر پی برده بودند، در صدد مبارزه با این فکر افتاده و این انقلاب را به عنوان انقلاب شیعی معرفی کرده اند که برای بقیه فرق مذهبی و اسلامی، ایجاد خطر می نماید. و عمال دست نشانده خود را در کشورهای اسلامی علیه این انقلاب شوراندند تا فکر تشکیل «امت واحده اسلامی» به ثمر ننشیند، و جنگ عراق علیه ایران نیز در همین راستا بوده است (طاهری، ۱۳۷۱: ۲۶۱). در حالیکه امام خمینی (ره) بنیانگذار انقلاب اسلامی فرموده است: ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید! بپا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام، مجتمع شوید و دست خیانت ابرقردتان را از ممالک خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید و مجد اسلام را اعاده کنید و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید. بر فرهنگ اسلام تکیه کنید و با غرب و غرزدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غربرده و شرق زده بتازید و هویت خویش را دریابید که روشنفکران اجیر شده، بلایی بر سر ملت و مملکتشان آورده اند که تا متحد نشوید و دقیقاً به اسلام راستین تکیه ننمایید، بر شما آن خواهد گذشت که تاکنون گذشته است. امروز زمانی است که ملت ها چراغ راه روشنفکرانشان شوند و آنان را از خود باختگی و زبونی در مقابل شرق و غرب نجات دهند که امروز روز حرکت ملت هاست و آنان هادی هدایت کنندگان تاکنونند. بدانید که قدرت معنوی شما بر همه قدرت ها چیره، و قریب یک میلیارد جمعیت شما با خزائن بی پایان، می تواند تمام قدرت ها را در هم شکند. نصرت کنید خدا را تا نصرت دهد شما را. ای اقیانوس بزرگ مسلمانان! خروش بر آورید و دشمنان انسانیت را درهم شکنید که اگر به خدای بزرگ رو آوردید و تعلیمات آسمانی را وجهه خود قرار دهید، خدای تعالی و جنود عظیم او با شماست (امام خمینی، صحیفه نور، ج: ۱۳: ۸۳).

### ۲- ارائه ایدئولوژی و ارزشهای جدید برای ملت ها

ایدئولوژی انقلاب اسلامی به دلیل دینی بودن، از ابعاد گوناگون خداپرستی و ایمان، استقلال، برابری، آزادی، عدالت و توسعه همه جانبه برخوردار است. این امر که بیانگر ارائه یک راه جدید در اداره کشورها و روابط خارجی آنهاست، توانسته در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، طرفداران بی شماری از توده های مردم تا نخبگان و حتی نخبگان سیاسی در سراسر جهان بیابد. این امر در نقاط مختلف جهان چالش های جدی برای غرب ایجاد کرده و به مرور زمان، بر شدت آن افزوده شده است. بدین ترتیب، ماهیت، ایدئولوژی و رهبری انقلاب اسلامی توانسته است در نقاط مختلف جهان، به ویژه جهان اسلام، حرکت های اصول گرایی اسلامی پدید آورده یا حرکت های منفعل قبلی را فعال سازد. در این میان، پیدایش برخی از این حرکت ها، برای غرب و وابستگانش، خرد کننده بوده است. مانند ظهور حرکت های اسلامی در فلسطین، لبنان، ترکیه و شمال آفریقا (به ویژه انقلاب مردمی تونس، مصر و لیبی) (ملکوئیان، ۱۳۸۴: ۵۴-۵۸).

### ۳- استکبار ستیزی و حمایت از مظلومان

از آنجا که انقلاب اسلامی بر پایه ارزش های مکتب اسلام شکل گرفته بود، با محکوم کردن استکبار و سلطه جویی، حمایت خود را از مستضعفان جهان در اقصی نقاط عالم اعلام داشت. در واقع این انقلاب با طرح استکبار ستیزی جهانی، نظام جدیدی را به عالم عرضه داشت که در آن، تضاد واقعی میان مستکبران از یک سو و مستضعفان جهان از سوی دیگر، کاملاً به چشم می خورد؛ زیرا جامعه جهانی روی صلح و آشتی نخواهد دید، مگر زمانی که استکبار و مستکبران از صفحه روزگار، محو و مستضعفان بر همه جهان حاکم شوند (محمدی، ۱۳۸۵: ۹۷). "حضرت امام خمینی (ره) از آغاز نهضت اسلامی به ویژه پس از پیروزی انقلاب

اسلامی، همواره در بیانات و نوشته‌های خود، بر حمایت از محرومان و مستضعفان تأکید می‌کرد. ملت آزاده ایران اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنهایی که منطقتشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است، کاملاً پشتیبانی می‌کند. ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سرتاسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۵۹: ۱۱).

#### ۴- احیای تفکر اسلامی

اگرچه قرن بیستم با عقب‌نشینی اسلام در پی ضعف و ناتوانی امپراتوری عثمانی آغاز شده، ولی پیروزی انقلاب اسلامی در سال‌های پایانی این قرن، نویدبخش آغاز دوره جدید ظهور اسلام است (کدیور، ۱۳۷۲: ۹۸). از این رو، در دوران معاصر، انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان نقطه آغازین خیزش تفکر اسلامی به شمار می‌رود. انقلاب اسلامی به ملت‌های مسلمان که در بند مدل‌ها و الگوهای غرب و شرق بودند، این حقیقت را فهماند که تنها بازگشت به دین و ارزش‌های اسلامی است که می‌تواند راهگشای مشکلات و تأمین‌کننده مصالح آنها باشد؛ زیرا دین مبین اسلام برای همه حوزه‌های حکومت اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، طرح و برنامه دارد (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

#### ۵- ایجاد همفکری میان نخبگان جهان اسلام

یکی از محورهای اساسی هم‌گرایی کشورهای اسلامی، مربوط به نخبگان فکری و صاحب‌نظران کشورهای اسلامی است؛ زیرا اگر همفکری نخبگان به نتایج ملموسی برسد، امکان و ظرفیت‌های هم‌گرایی ملت‌های مسلمان نیز افزایش می‌یابد. آنچه در این زمینه دارای اهمیت است، دریافت واقع‌بینانه پیام انقلاب اسلامی بدون دخالت دادن گرایش‌های سیاسی و سلیقه‌های فردی از سوی نخبگان فکری است. دستیابی به این هدف در گرو وحدت نظر در منشور وحدت مسلمانان و نزدیک ساختن دیدگاه‌های نخبگان در مسئله هم‌گرایی ملت‌های مسلمان است. برای رسیدن به این منظور، جمهوری اسلامی ایران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و مرکز جهانی علوم اسلامی را تأسیس کرد تا بتواند با اتحاد میان بزرگان مذاهب اسلامی و تربیت و آموزش نیروهای متخصص و متعهد اسلامی، به هم‌گرایی کشورهای اسلامی یاری رساند. و لذا به دنبال اعلام هفته وحدت از سوی جمهوری اسلامی ایران برای گسترش تفکر اتحاد مسلمانان، این کشور، کنفرانس‌های وحدت را برگزار کرد که هدف از برگزاری آن، ایجاد زمینه‌های اتحاد و هم‌بستگی جهان اسلام، همفکری علما و دانشمندان به‌منظور نزدیک‌سازی دیدگاه‌های علمی و فرهنگی آنان در زمینه‌های مختلفی، از جمله فقهی، اصولی، کلامی و تفسیری و نیز بررسی مسائل و مشکلات مسلمانان و ارائه راه‌حل‌های مناسب و موضع‌گیری مشترک در برابر آن است (هاشمی، ۱۳۸۲).

#### - تأثیرات عملی انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل

انقلاب اسلامی که در دوران مبارزه، با نمادین کردن تعالیم دینی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی توانسته بود سیل عظیم مردم را در مسیر سرنگونگی رژیم پهلوی به کار گیرد، در دوران پس از پیروزی نیز در ابتدا باید ضمن عملی کردن آرمان‌ها و گذاره‌های تعالی‌بخش اسلام، پای‌بندی نظام جدید به اهداف اعلام شده در دوران مبارزه را نشان دهد و ضمن صیانت از عوامل و متغیرهای هویت‌بخش در دوران پیدایی و تأسیس نهضت، دوران تداوم انقلاب را نیز با استفاده از همان هویت به پیش ببرد. لذا تا کنون تأثیرات مختلفی بر نظام بین‌الملل بصورت عملی داشته است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱- گشایش قطب سوم در جهان دو قطبی

چگونگی توزیع قدرت بعد از جنگ جهانی دوم، سبب شکل‌گیری ساختار نظام بین‌الملل دو قطبی و باعث تشدید وابستگی ساختاری کشورهای ضعیف به کشورهای قوی شده و در نتیجه کشورها به دو قسمت استثمارگر و استثمارشونده تقسیم شدند و کشورهای استثمارگر برای دخالت در دیگر کشورها خود را دارای حق می‌دانند. این ساختار پس از جنگ جهانی دوم و در چارچوب جنگ سرد میان دو ابر قدرت آمریکا و شوروی بر نظام بین‌الملل سایه افکند. براین اساس، هریک از کشورها با توجه به عضویتشان در یکی از بلوک‌بندی‌های قدرت در نظام بین‌الملل و ایجاد پیمان‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای، مواضع منسجم و همگونی را در برخورد با قطب دیگر ارائه می‌کردند (مجرد، ۱۳۸۶: ۵۴-۱۵). در چنین ساختاری انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت و نحوه توزیع قدرت را به چالش کشید و آن را با شعار و سیاست «نه شرقی و نه غربی» (زیر سؤال برد؛ زیرا از نظر انقلاب اسلامی ایران، آنچه در ساختار سیاسی عینی نظام بین‌الملل رخ داده، ناشی از روابط سیاسی نابرابر، اعمال سلطه، نفوذ قدرت‌های بزرگ و وابستگی سیاسی کشورهای تحت سلطه است. لذا نحوه توزیع قدرت در ساختار سیاسی روابط بین‌الملل، نابرابر و ناقص حقوق ملت‌ها و کشورهای ضعیف و توزیع منابع مادی و طبیعی قدرت در سطح جهان یکسان نبوده است (همان، ۱: ۵).

انقلاب اسلامی با تأثیری که بر مجاهدین افغانی در مقابله شجاعانه با شوروی‌ها و بر نظامیان مسلمانی که از آسیای مرکزی و قفقاز به افغانستان آورده می‌شدند و انتقال و گسترش این تأثیرات به جامعه آن کشور داشت، زمینه‌های فروپاشی شوروی را فراهم کرد. غرب نیز پس از انقلاب اسلامی با از دست دادن ایران، فروپاشی پیمان‌های منطقه‌ای سنتو و سیتو و در نتیجه فراهم

شدن زمینه‌های رشد حرکت‌های استقلال‌خواهی، اسلام‌گرا و ضدغربی، قدرت‌ش در منطقه با چالش جدی مواجه شد. در نتیجه قدرت سومی به رهبری انقلاب اسلامی در جهان شکل گرفت که قدرت شرق و غرب را به چالش کشید. به گونه‌ای که منطقه گرای، دموکراسی‌گرایی و افول سکولاریسم، یعنی چیزی که انقلاب اسلامی از ابتدای ظهور خود در پی آن بود، در جهان و منطقه گسترش پیدا کرد. به عبارت دیگر، مهم‌ترین نوآوری انقلاب اسلامی این بود که ساختار نظام بین‌الملل را که عمدتاً بر اساس ابزار قدرت مادی شکل گرفته بود، با تکیه بر ابزار معنوی قدرت برهم زد و نشان داد که می‌توان با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و حرکت‌های توده مردم به قدرت رسیده و جامعه را اداره کرد. از این‌رو زنگ خطر جدی برای قدرت‌های سلطه‌گر به صدا درآمد؛ چراکه بیداری اسلامی با وقوع انقلاب اسلامی، شتاب فزاینده‌ای گرفت و گستردگی آن نیز بیشتر شد (از شمال آفریقا تا جنوب شرقی آسیا) و ملت‌های مسلمان، سعادت و خوشبختی خود را در بازگشت و توسل به آموزه‌های اسلامی دیدند (محمدی، ۱۳۸۶: ۴۷-۶۴).

## ۲- تلاش در کاستن از تفرقه و وحدت‌گرایی در جهان اسلام

انقلاب اسلامی ایران همواره منادی وحدت اسلامی و اتحاد مسلمانان جهان بوده است. تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تشکیل هفته وحدت، برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی وحدت، رهنمودهای سازنده و عمیق رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری و نیز تأکید فراوان بر وحدت جهان اسلام و امت اسلامی می‌تواند زمینه هم‌گرایی کشورهای اسلامی را فراهم آورد. در اصل یازدهم قانون اساسی آمده است: «به حکم آیه کریمه "إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِي" همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

## ۳- صدور انقلاب اسلامی

آنچه در بحث صدور انقلاب اسلامی ایران دارای اهمیت است، نه تنها مربوط به جنبه انقلابی حرکت ملت ایران، بلکه معطوف به آموزه‌های انقلابی و اسلامی آن است که به نوبه خود، آن را از انقلاب‌های دیگر متمایز می‌سازد. امام خمینی(ره) به‌عنوان ایدئولوگ انقلاب اسلامی، صدور انقلاب را به مفهوم صدور ارزش‌ها، آرمان‌ها و تجربیات انقلاب اسلامی همچون استقلال، نیل به خصلت‌های انسانی و خودکفایی، حمایت از مستضعفان و رنج‌دیدگان، ایجاد عدالت اجتماعی، نفی اشرافی‌گری و تبعیض‌ها و نژادگرایی می‌داند (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۲۸). ایشان ضمن رد شبهاتی که از سوی دشمنان مطرح می‌شد، بیان می‌دارد که منظور از صدور انقلاب، به هیچ عنوان هجوم نظامی و لشکرکشی به دیگر کشورهای مسلمان نیست: «ما می‌گوییم می‌خواهیم انقلابمان را صادر کنیم؛ نمی‌خواهیم با شمشیر باشد بلکه می‌خواهیم با تبلیغ باشد (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸۰: ۱۸).

## ۴- حمایت از جنبش‌های اسلامی معاصر و سایر ملت‌های مظلوم در تقابل با نظام سلطه

وقوع انقلاب اسلامی و سیاست حمایت از جنبش‌های اسلامی، روحیه امید، جرئت و جسارت را در آن جنبش‌ها زنده ساخت و ظهور اصول‌گرایی در قالب احزاب و جنبش‌های متعدد، شتاب فزاینده‌ای گرفت. اگر پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بیشتر جنبش‌های اسلامی در برخورد با مظاهر زندگی عصر جدید و تمدن خیره‌کننده غرب موضع انفعالی داشتند و درباره کارآمدی تعالیم دینی در مدیریت معقول و شایسته جوامع اسلامی در شک و تردید به سر می‌بردند، تحول همه‌جانبه انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره)، این باور وثیق را در اذهان نیروهای مسلمان جای داد که اسلام به‌عنوان یک مکتب آسمانی می‌تواند مهم‌ترین تحولات جهانی را رقم زند و برای پرسش‌های عصر جدید و مدیریت جوامع، نسخه شفابخشی ارائه دهد. این نکته، مهم‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی بود که از یک سو جنبش‌های موجود را در بعد نظری بر مبنای محکم دینی استوار ساخت و از سوی دیگر، باورهای دینی را به‌عنوان عامل بالنده و تحرک‌آفرین در سرنوشت جوامع انسانی مطرح کرد.

علاوه بر این انقلاب اسلامی با ارائه الگوی رفتاری جدید برای ملت تحت ستم، در ایجاد اعتماد و بیدارسازی آنها نقش مؤثری را ایفا کرد و تلاش کرد تا افکار عمومی آنها را برای ایجاد تغییر و تحول در ساختار بین‌الملل تحت تأثیر قرار دهد. به علاوه، حمایت ایران از ملت‌های محروم و تحت ستم، باعث فعال شدن و تقویت حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی و آزادی‌بخش در جهان و منطقه شد. در این میان تأثیر انقلاب اسلامی بر ملت فلسطین و لبنان بیش از همه چشمگیر است (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۱۹-۱۱۰). در جنگ ۳۳ روزه، نظام سلطه امیدواری زیادی داشت که با شکست و نابودی حزب‌الله در حقیقت ضربه‌ای جدی به حرکت و جنبش در حال رشد سلطه‌ستیزان به رهبری ایران اسلامی وارد نماید که با ناکامی جدی مواجه گردید، به طوری که بنیادهای اقتدار رژیم صهیونیستی را به لرزه درآورده و افسانه شکست‌ناپذیری آن را درهم پیچید (محمدی، ۱۳۸۶: ۳۶ و ۵۴). پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال آن پیروزی نیروهای مقاومت لبنان در سال ۱۹۸۲ م روح تازه‌ای بر جان‌های ملت فلسطین دمید و مجدداً در قالب جنبش‌های اسلامی و حماس تشکیل یافته و انتفاضه اول و دوم را با تکیه بر عملیات جهادی و مقاومت خلق کردند و آن‌چنان صهیونیست‌ها را مستأصل کردند که مجبور به تخلیه نوار غزه و تخریب شهرک‌های صهیونیست‌نشین در آن

<http://www.jase.ir>

منطقه شدند و برای اولین بار ملت فلسطین نه در پای میز مصالحه و سازش بلکه در سایه مقاومت، جهاد و شهادت این رژیم را وادار به عقب نشینی کردند و به دنبال آن در یک انتخابات آزاد، نیروهای اسلام‌گرا بر نیروهای ملی‌گرا فائق آمده و دولت فلسطین را در کنترل خود گرفتند (همان 38:39). آمریکا پس از حادثه 11 سپتامبر 2001 م با حمله به افغانستان و عراق در چهارچوب طرح "خاورمیانه بزرگ" نه تنها با ناکامی مواجه گردید بلکه موجب آزادی ملت‌های مسلمان دیگر منطقه و اقتدار بیشتر این نیروها به ویژه ظهور و شناسایی ایران اسلامی به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای گردید (همان 43-24).

بحران‌های شاخ آفریقا یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در دو دهه اخیر در رسانه‌های گروهی بین‌الملل مطرح بوده است. در سال 1992 م آمریکا برای دسترسی به این منطقه استراتژیک به بهانه حفظ نظم و حقوق بشر به کشور سومالی حمله کرد، اما مقاومت شدید مردمی طوری عرصه نیروهای اسلام‌گرا با استفاده از سازوکارهای انتخاباتی تلاش کردند که مرحله به مرحله قدرت را از دولت‌های لائیک تحت نفوذ غرب بیرون آورند. ابتدا در انتخابات شهرداری‌ها و سپس در انتخابات پارلمان پیروزی‌های شگفت‌انگیزی به دست آوردند (همان 73:40). در آمریکای لاتین هم که به مدت یک قرن و نیم در سایه دکتورینه، حیات خلوت آمریکا به حساب می‌آمد، در سال 1979 م هم‌زمان با انقلاب اسلامی ایران، انقلاب نیکاراگوئه بدون حمایت شوروی شکل گرفت و بعد از انقلاب کوبا دومین ضربه‌ای بود که بر پیکر سلطه در آن منطقه وارد آمد و دیری نپایید که موجب بیداری و قیام عمومی مردم محروم و استثمار شده این قاره علیه سلطه‌گران آمریکایی گردید و آثار آن در ونزوئلا، بولیوی، اکوادور، شیلی و برزیل موجب به قدرت رسیدن نیروهای مردمی ضدسلطه گردید. حتی در این کشورها ملی‌گرایی مترادف با ضدیت با آمریکا شده، (همان 53-48). به طوری که همراهی و نزدیکی این کشورها با ایران اسلامی در دهه گذشته در سطح بین‌الملل بسیار گسترده‌تر شده است. در کشورهای غربی نیز، در مقابل حرکت سلطه‌گران غربی به نام «جهانی‌سازی»، جنبش مردمی به نام «جنبش ضد جهانی‌سازی» شکل گرفته که همه‌ساله در محل اجلاس سران کشورهای صنعتی، با تجمع و انجام تظاهرات گسترده مخالفت خود را ابراز می‌دارند. در کنار این جنبش، شورش مدنی و جنبش «ضد جنگ» نیز عرصه را بر سلطه‌گران حتی در سرزمین‌های خود تنگ‌تر می‌کنند (همان 1:5).

در مجموع در مقابله با ساختار سلطه نظام بین‌الملل یک نهضت عمومی در سراسر جهان شکل گرفته که موجب گردیده پارامتر جدیدی و در واقع بازیگران تازه‌ای غیر از دولت‌ها در صحنه روابط بین‌الملل ظهور پیدا کنند که در محاسبات قبلی بازیگران نظام سلطه نمی‌گنجد و معنا و مفهومی نداشت (همان 53). با توجه به شرایط جدید منطقه، پیروزی لبنان، غزه و موفقیت‌های ارتش سوریه بر مخالفان سوریه (که از طرف غرب، رژیم صهیونیستی و متحدان عربی آنها حمایت و کمک نظامی، انسانی و اقتصادی می‌شوند)، حمایت کشورهای روسیه، چین، عراق، لبنان، مصر و ... از موضع ایران در مورد سوریه، بیداری اسلامی در منطقه و جدایی مصر، تونس، لیبی و یمن از سلطه آمریکا نمونه‌هایی از تأثیر انقلاب ایران بر توزیع قدرت در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای است و ایران توانسته برتری قدرت غرب در سطح بین‌الملل و منطقه را به چالش بکشد.

### نتیجه گیری

انقلاب اسلامی، بروز تغییرات و تحولات اساسی را در مناسبات سیاسی، فرهنگی فراهم کرد. بازتاب انقلاب در داخل و خارج، موجب شد تا دستاوردها و اهداف انقلاب بر روندهای موجود، تأثیر گذارد و عمده‌ترین عوامل تأثیر در منطقه و جهان را بازسازی و جهت تغییرات را تحت تأثیر قرار دهد. در این مقاله سعی شد تا در خصوص تأثیرات نظری و عملی انقلاب اسلامی ایران بر نظام بین الملل، بحث و بررسی صورت گیرد. هرچند نباید نقش تحولات غیرانقلابی را در ساختن نظام بین الملل نادیده گرفت؛ اما نقش بارز انقلاب‌ها و تحولات انقلابی در این زمینه قابل انکار نیست؛ حتی انقلاب پایه و مبنایی برای نظام دو قطبی به وجود آورد، به مسابقه تسلیحاتی دامن زد و موارد متعددی از رقابت بین ابرقدرت‌ها را باعث شد؛ ثبات سیاسی داخلی قدرت‌های عمده را نیز در معرض تهدید قرار داد. از آنجایی انقلاب اسلامی ایران دارای نظام ارزشی برگرفته از اعتقادات و مبانی اسلامی است که مبنای رفتارهای آن است، در بعضی موارد با قواعد و هنجارهای بین المللی سازگاری و همگرایی دارد و در برخی از زمینه‌ها با آنها تعارض پیدا می‌کند. انقلاب اسلامی برای خود رسالت، تعهد و نقش خاصی در جهان قائل است که ساختار نظام بین الملل را به چالش می‌کشد و تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

بنابراین، انقلاب اسلامی ایران بر اساس اندیشه حضرت امام (رحمه الله علیه) به جای تأکید بر دولت‌ها (تعداد بازیگران)، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های مسلط در نظام بین الملل را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و به عنوان مثال، نظام دو قطبی را با طرد ایدئولوژی کمونیسم و کاپیتالیسم با چالش روبه‌رو می‌کند و ایدئولوژی و الگوی جدیدی را با عنوان اسلام سیاسی و انقلابی به جهانیان اعلام می‌کند و نظامی را مطلوب تلقی می‌کند که در آن، قدرت به طور متوازن بین ملت‌ها توزیع شده باشد.

وقوع انقلاب اسلامی و ایجاد یک مدل حکومتی اسلامی است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، مدل تازه ای از حکومت را به جهانیان و بویژه کشورهای اسلامی عرضه کرده است. لذا جمهوری اسلامی ایران توانسته است با الهام از آموزه‌های اسلام که در قانون اساسی آن متبلور شده است و دخالت دادن مردم در حاکمیت خود، نمونه‌ای کامل از تلفیق مردم‌سالاری اسلامی را به جهانیان نشان دهد که واژه جمهوری اسلامی بیانگر آن است. در واقع انقلاب اسلامی به عنوان نقطه آغاز خیزش تفکر بیدارگر اسلامی، توانست از رهگذر شکل دهی به قشر جدیدی به نام نخبگان نرم افزاری به عنوان تولیدگران اندیشه و تفکر اسلامی به احیای ارزش های دینی مبادرت ورزد و با تبیین سازگاری اسلام و دموکراسی، هویت اسلامی را به مسلمانان بازگرداند و عزت و اعتماد به نفس را در میان آنان به وجود آورد. به عبارت دیگر احیای هویت تمدن اسلامی و نقش آفرینی اندیشه اسلامی در عرصه هنجارسازی و گفتمان سازی، حکایت از آن دارد که انقلاب اسلامی توانسته نقش دین را در نظام تصمیم گیری منطقه ای و بین المللی به منصفه ظهور رساند. این مهم مدیون بازسازی تمدنی در پرتوی انقلاب اسلامی است. علاوه بر این جمهوری اسلامی ایران همواره از نهضت آزادی بخش در سراسر جهان بویژه در کشورهای اسلامی حمایت کرده است. و خود را بعنوان یک الگوی مناسب برای ملت های مظلوم و ستمدیده در جهان اسلامی معرفی کرده است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران با ویژگی‌های خاص خود به‌ویژه اسلامی بودن و مردمی بودن آن، به‌عنوان الگویی برای مردم کشورهای اسلامی مطرح شد، به‌گونه‌ای که ترس از برپا شدن انقلابی مشابه انقلاب اسلامی ایران در کشورهای منطقه، رهبران و سردمداران این کشورها را سخت به اندیشه و تشویش خاطر انداخت؛ برای مثال، قیام گروه‌های مبارز مذهبی در کشورهای هم‌جوار ایران که خطری جدی برای ثبات این کشورها بود، واکنش خصومت‌آمیز کشورهای منطقه به‌ویژه عراق و عربستان را در پی داشت.

در سطح جهانی، سیستمی مطلوب انقلاب اسلامی ایران است که کارکرد واقعی آن بتواند عدالت، صلح و امنیت جهانی را برای تمامی کشورها به ارمغان آورد. باید کارکرد عینی سیستم بین الملل بتواند صلح، امنیت، عدالت و منافع را تضمین کند. انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی، کارکرد نظام بین الملل را به زیر سؤال برد و آن را با یک چالش جدی مواجه کرد و تعریف جدیدی از عدالت، صلح و امنیت در عرصه بین الملل ارائه داد. بنابراین تأثیر انقلاب اسلامی در سطح کارکرد نظام بین الملل، ذیل دو مسئله عمده عدالت و صلح مطرح می‌شود.

## منابع و مراجع

- قران کریم
- اسپوزیتو، جان ال، 1382، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران، باز.
- امام خمینی، سیدروح‌الله، 1379، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ستوده، محمد و علیرضا دانشیار، 1380، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ساختار نظام بین‌الملل، مجله علوم سیاسی، شماره 16، زمستان.
- ستوده، محمد، 1385، تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، بوستان کتاب.
- طاهری، حبیب اله، انقلاب و ریشه‌ها، چاپ دوم، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، 1371.
- علی بابایی، غلامرضا، 1382، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عیوضی، محمدرحیم آینده انقلاب اسلامی و منازعات آینده جهان. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی . سال ششم، شماره 18، پاییز 1388 .
- فراتی، عبدالوهاب، 1381، انقلاب اسلامی و بازتاب آن، قم، انجمن معارف اسلامی ایران.
- قوام، عبد‌العلی، 1372، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، سمت.
- کدیور، جمیله، 1374، رویارویی انقلاب اسلامی در ایران و امریکا، تهران، اطلاعات.
- مجرد، محسن، 1386، تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- محمدی، منوچهر، 1386، آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت امور خارجه مرکز چاپ و انتشارات.
- محمدی، منوچهر، 1387، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ملکوتیان، مصطفی، 1384، «تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران»، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره 1، تابستان. 84.
- هاشمی، سید محمدجواد، 1382، امام خمینی و هم‌گرایی جهان اسلام، تهران، نشر نیایش.
- هالیدی، فرد، 1378، انقلاب و روابط بین‌الملل»، ترجمه مسعود اخوان کاظمی، مجله انقلاب اسلامی، سال اول، شماره سوم، پاییز.